

در آن روز از چه قبیل گفتگو و چه مواد موقع مذاکره خواهد شد).

محل مشورت در یک محل مخصوص همیشه ثابت خواهد بود. انتخاب کارمندان هر یک از وزارتخانه بنا بر پیشنهاد وزیر به صدارت عظمی و موافقت او خواهد بود. حقوق و تکالیف کارمندان وزارتخانه‌ها را شورای وزیران تعیین خواهد کرد. هیچ وزیری مأذون نیست که عدد اجزاء وزارت خود را بدون اجازه صدر اعظم زیاد و کم نماید. هیچ وزیری نمی‌تواند بدون اجازه مجلس منصب تازه‌ای ایجاد نماید. هیچ وزیری نمی‌تواند بدون اجازه صدر اعظم یکی از اجزاء وزارت خود را اخراج نماید. مواجب مربوط و مخصوص منصب است، هیچ ربطی به موقعیت اشخاص نخواهد داشت. مواجب حق و اجرت تکالیف نوکری است و به اصل منصب مخصوص است. شخصیت اشخاص به مواجب و حقوق دولتی ارتباط و بستگی ندارد، تنها اجرت خدمتی است که به اشخاص رجوع شده است.

ترقی مناصب اجزاء از روی یک قاعده معین خواهد بود.

اسم و رسم مواجب از هم جدا نیست و هر چه به ازای هر منصب داده می‌شود بی‌زیاده و نقصان همان می‌رسد.

مواجبی که حق شخصی اجزای وزارتخانه‌هاست بعد از این اسم مواجب ندارد مستمری و مقرری گفته می‌شود.

عطای این نوع مستمری موافق یک قاعده مخصوص خواهد بود. مستمری هرگز با مواجب مخلوط نخواهد شد.»

## در بابت ترتیب وزارتخانه‌ها

«به جهت ترتیب هر یک از این وزارتخانه، یک قاعده جداگانه وضع خواهد شد.

چون وضع این قواعد موقوف به مشورت وزراء است باید اول مشورت وزراء را برقرار کرد، روح دربار اعظم همین مجلس مشورت وزراء است. هر وقت مجلس وزراء موافق این اصولی که وضع شده قرار یافت دربار اعظم نیز برقرار شده است.

این اساس اصلی هرگاه درست منتظم بشود، سایر امور دولت بالطبع به تدریج انتظام خواهد یافت.

چیزی که حال بر ما واجب است این است، که این اصول موضوعه را که هیئت اجتماع آنرا دربار اعظم می‌گوئیم، درست و محکم نگاه بداریم و آنهم موقوف به عزم همایون شاهنشاهی است که اطاعت و محافظت این اصول بر عهدهٔ جمیع وزراء مؤکداً واجب بسازد.

صدراعظم باید مسئول کل باشد در حضور مبارک همایونی و جمیع وزراء در شعبات سپرده به خودشان مسئولند در نزد صدراعظم واسطهٔ مراودات امور دولت در خاکپای مبارک شخص صدراعظم است. به این معنی که سایر وزراء مطالب و مستدعیات و راپورت کارهای وزارتخانهٔ خودشان را باید به صدراعظم اظهار نمایند و صدراعظم امورات لازمه را به خاکپای مبارک عرضه داشته، تحصیل جواب نموده، به هریک از وزراء که تعلق دارد مکتوباً اخبار نماید.

این است قاعدهٔ هیئت وزراء که به اصطلاح فرنگی‌ها کابینه می‌نامند. حالاً رد یا قبول کل یا بعضی از فقرات معروضه موقوف به رأی صواب نمای سرکار اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء هست»

#### الامر الاقدس الاعلی مطاع

معروضه دوازدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۹

صدراعظم (۱)

ناصرالدین شاه قسمتی از اختیارات خود را ضمن فرمانی به هیئت دولت اعطا کرد و در ترکیب شورای دولتی تغییراتی داد.

فرمان شاه که در سال ۱۲۹۸ صادر شده به شرح زیر است.

«چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحد و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم و انتظام مهم قشون و قورخانه و مهمات عسگریه و سایر شعب و ادارات است و ایجاد انتظام این مهم و تشکیل قوانین و تدبیرات لازمه آن منوط به اجرای سریعۀ نافذۀ احکام مفیده و تشبثات صحیحۀ دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صایبه هم منوط به وجود وزراء و نوکرهای صاحب تجربه و دولتخواه عاقل کامل با غیرت است لهذا به موجب این دستخط که خودمان می‌نویسیم اختیار و اقتدار کامل می‌دهیم به وزرای منتخبین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم به جلوس فرموده‌ایم که از این تاریخ به بعد در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی مختار و مجاز و قادر خواهند بود که قرارداتی که متضمن خیر و صلاح دولت و ملت باشد بگذارند و



آنچه را که آنها صلاح دانسته و به عرض برسانند قبول فرموده و رد نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت را به هیئت این مجلس اعطاء می فرمائیم. که انشاء الله و تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت متصور است در اجرای احکام به عرصه ظهور و بروز آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیراندیشی های خودشان خرسند و مسرور نمایند و حسن ظن و التفات ما را نسبت به خودشان روز به روز زیادتر کرده، اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند.»

تحریراً ۱۲۹۸ (۱)

احساسات شدید مردم در مقابل امتیازات و قرض های خارجی که در باره آن توضیح داده شده و حکومت مستبدانه حکام و عوامل دیگر مردم ناراضی را به فکر ایجاد حکومت قانون انداخت. سرسلسله این جنبش سید جمال الدین اسدآبادی است که از مخالفان حکومت استبدادی ایران و حامی افکار آزادی خواهی و پیرو مکتب اتحاد اسلام بود که درباره او و میرزا ملکم خان توضیحات لازم در صفحات قبل داده شده است.

ناصرالدین شاه در روز جمعه هفتم ذی قعدة سال ۱۳۱۳ قمری در بقعه حضرت عبدالعظیم (ع) به ضرب گلوله میرزا رضا کرمانی که از پیروان مکتب سید جمال الدین اسدآبادی بود به قتل رسید و مظفرالدین شاه به جای او به سلطنت رسید.

بقا از شعرای دوره قاجار اشعاری در این باره سروده که چند بیت آن نوشته می شود.

|                                      |                                    |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| در حضور حضرت عبدالعظیم ابن الحسن     | سوی شاخ سدره مرغ روح شه بگشود بال  |
| هفدهم روز از مه ذی قعدة با ادینه جنت | یافت هنگام زوال شمس، شمس شه زوال   |
| الغرض کلک بقا تاریخ شه را زد رقم     | (افتابی چهره پنهان کرد درگاه زوال) |

۱۳۱۳ ق (۲)

مردم از مامورین دولت به خصوص از عبدالمجید میرزا (عین الدوله) صدراعظم و علاء الدوله حاکم تهران ناراضی بودند.

موضوع گران کردن قیمت قند از طرف تجار بهانه شد که حاکم تهران برای ارباب مردم دست به خشونت بزند (قیمت قند یک من چهار قران بود و تجار ده شاهی به قیمت اضافه کرده بودند) علاء الدوله چند نفر از تجار را توقیف کرد و یکی از آنها را به جوب بست این امر باعث عدم

۱- ایران در دوره سلطنت قاجار - علی اصغر شمیم ص ۱۹۱

۲- موادالتواریخ، حاج حسین نخجوانی ص ۲۲۲

رضایت بازاریان گردید. آنها دکانها را بستند و تقاضای عزل علاءالدوله را نمودند مردم هم به حمایت از بازاریان به حرکت درآمدند، سربازان برای متفرق کردن مردم، به دستور عین‌الدوله تیراندازی کردند در نتیجه یکی از طلاب علوم دینی بنام شیخ عبدالحمید کشته شد.

مردم جنازه را برداشته و با فریاد مرده باد عین‌الدوله و علاءالدوله به سمت خانه دو نفر از پیشوایان مذهبی، آقا سید محمد طباطبایی و آقا سید عبدالله بهبهانی رهسپار گردیدند که به بستن بازار منجر گردید.

یکی از شعرای زمان درباره کشته شدن عبدالحمید چنین سروده است:

عامل زره رسید وزهنگامه بسی خیر      انگشت حیرتش بشد آنگاه در دهن  
ناگاه بسی ملاحظه سلطان فوج دون      تیری زد آتشین به تن شمع انجمن  
از نو حسین کشته ز جور یزید شد      عبدالحمید کشته عبدالمجید (عین‌الدوله) شد

این حادثه مقدمه قیامهای دیگر گردید که به آن اشاره می‌شود.

گروههای ناراضی در ایران به تشکیل جلسات محرمانه و آگاه کردن مردم به مزایای آزادی و وجود قانون پرداختند انجمن‌های مخفی در شهرستانها نیز تشکیل گردید که اعضاء مؤثر آن بیشتر از علمای مذهبی بودند.

در ربیع‌الاول سال ۱۳۳۲ ق گروهی مرکب از ۶۰ نفر دور هم جمع شدند که بیشتر روحانیان تجار، سران ایلات و روشنفکران بودند و به قرآن سوگند خوردند که برای استقرار قانون و عدالت و سرنگونی حکومت ستمگر تلاش کنند. در این جلسه اساسنامه‌ای در ۱۲ ماده تنظیم گردید و یک کمیته انقلاب مرکب از ۹ نفر تشکیل شد.

مظفرالدین شاه پس از اطلاع از مقاصد مردم به عین‌الدوله صریحاً دستور داد که برای انجام خواسته‌های مردم در خصوص تأسیس عدالتخانه اقدام نماید.

«جناب اشرف اتابک اعظم چنان که مکرر این نیت خودمان را اظهار فرموده‌ایم، ترتیب و تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی واجب‌تر است، بالصراحه مقرر می‌فرمائیم برای اجرای این نیت مقدس قانون معدلت اسلامی که عبارت از تعیین حدود و اجراء احکام شریعت مطهره است باید در تمام ممالک محروسه ایران عاجلاً دایر شود، بر وجهی که میان هیچیک از طبقات رعیت فرقی گذاشته نشود و در اجراء عدل و سیاسات به طوری که در نظامنامه این قانون اشاره خواهیم کرد ملاحظه اشخاص و طرفداریهای بی وجه قطعاً و جداً ممنوع باشد البته به همین ترتیب کتابچه نوشته مطابق قوانین شرع مطاع فصول آن



را ترتیب و به عرض برسانید تا در تمام ولایات دائر و ترتیبات مجلس آن بر وجه صحیح داده شود و البته این قبیل مستدعیات علماء اعلام که باعث مزید دعاگویی، است همه وقت مقبول خواهد بود و همین دستخط ما را هم به عموم ولایات ابلاغ کنید (شهر ذی الحجه ۱۳۲۳)<sup>(۱)</sup>»

مردم به صلاحدید آیه... طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی به تهران بازگشتند ولی عدالتخانه تشکیل نشد و مردم به تظاهرات پرداختند.

عین الدوله از ارتباط مستقیم مشروطه خواهان با شاه جلوگیری می کرد، چون می دانست که مظفردالدین شاه به درخواستهای مردم توجه می کند، از این جهت مردم عزل عین الدوله را خواستار بودند چون با بودن او خواسته های آنها به نظر شاه نمی رسید.

مردم سفیر عثمانی را واسطه خود و شاه قرار دادند، او متعهد شد که نظرات مردم را به اطلاع شاه برساند، او درخواستهای مردم را که مبنی بر عزل نوز بلژیکی رئیس گمرک و عزل عین الدوله و تأسیس عدالتخانه بود نزد مشیرالدوله وزیر خارجه فرستاد و او عریضه را نزد شاه، برد شاه موافقت خود را با درخواست مشروطه خواهان به اطلاع سفیر عثمانی رسانید.

عین الدوله چهار تن از روحانیان پنهاننده در حضرت عبدالعظیم را به بهانه گفتگو با آنها به خانه خود برد و آنها را نگاه داشت.

خبر توقیف روحانیان انتشار یافت و در نتیجه بازار تهران بسته شد، مردم در موقع عبور مظفردالدین شاه جلوی کالسکه او ایستادند و فریاد زدند.

«ما آقایان و پیشوایان دین را می خواهیم، ای شاه مسلمان بفرما رؤسای مسلمانان را احترام کنند... ای پادشاه اسلام اگر وقتی روس و انگلیس با تو طرف شوند شصت کرور ملت ایران به حکم این آقایان جهاد می کنند»

به فرمان مظفردالدین شاه روحانیان آزاد شدند.

### نامه آیت... طباطبائی به مظفردالدین شاه

«اعلیحضرتا مملکت خراب، رعیت پریشان و گدا دست تعدی حکام و مامورین بر مال و عرض و جان رعیت دراز، ظلم حکام و مامورین اندازه ندارد، از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند می برند، قوه غضب و شهوتشان به هرچه میل و حکم کند، از زدن و کشتن و ناقص کردن اطاعت

می‌کند، این عمارت و مبل‌ها، وجوهات و املاک در اندک زمان از کجا تحصیل شده، تمام مال رعیت بیچاره است این ثروت همان فقرای بی مکتند که اعلیحضرت بر حالشان مطلعند در اندک زمان از مال رعیت صاحب مکت و ثروت شدند، پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند، گرفتند به ترکمانها و ارامنه عشق‌آباد به قیمت گزاف فروختند، ده هزار رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کردند.

اعلیحضرتا تمام این مفاسد را مجلس عدالت یعنی انجمنی مرکب از تمام اصناف مردم که در آن انجمن به داد عامه مردم برسند، شاه و گدا در آن مساوی باشند. فواید این مجلس را اعلیحضرت همایونی بهتر از همه می‌دانند مجلس اگر باشد این ظلم‌ها رفع خواهد شد، خرابی‌ها آباد خواهد شد، خارجه طمع به مملکت نخواهد کرد، سیستان و بلوچستان را انگلیس نخواهد برد فلان محل را روس نخواهد برد، عثمانی تعدی به ایران نمی‌تواند بکند.

اعلیحضرتا سی کرور نفوس را که اولاد پادشاه‌اند، اسیر استبداد یک نفر نفرمایید، برای خاطر یک نفر مستبد چشم از سی کرور فرزندان خود نبوشید، مطلب زیاد است فعلاً بیش از این مصدع نمی‌شوم. مستدعیم این عریضه را به دقت ملاحظه بفرمایید و پیش از انقطاع راه، بفرمائید تا مملکت از دست نرفته و یک مشت رعیت بیچاره که به منزله فرزندان اعلیحضرتند اسیر و ذلیل خارجه نشوند»<sup>(۱)</sup>

مظفرالدین شاه به این نامه چنین پاسخ داد که «ما به اتابک دستور دادیم خواست‌های شما را به انجام رسانند.»

به علت عوامل مختلف از جمله سوء رفتار عین‌الدوله، اقدامات نوز مدیر گمرکات، استبداد و ظلم ظفرالسلطان حاکم کرمان، بد رفتاری علاءالدوله حاکم تهران نسبت به تجار قند و شکر، عده‌ای از تجار در مسجد شاه بست نشستند، گروهی به حضرت عبدالعظیم رفتند و گروه‌های زیادی در سفارت انگلیس متحصن شدند و ابتدا عزل عین‌الدوله را خواستار بودند.

آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبایی و گروهی دیگر از علما به طرفداری از آنها پرداختند. شاه عین‌الدوله را معزول کرد ولی مردم تنها به این امر راضی نشدند و تقاضا کردند که شاه دستور تشکیل مجلس شورای ملی را صادر نماید.

در تاریخ چهاردهم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ قمری فرمان مشروطیت صادر گردید و متحصنین از تحصن خارج شدند.



## فرمان تشکیل مجلس شورای ملی

«جناب اشرف صدراعظم - از آنجا که حضرت باری تعالی جل شانہ سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده، لہذا در این موقع که رأی و ارادہ همایون ما بدان تعلق گرفت، کہ برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیہ بہ مرور در دوائر دولتی و مملکتی بموقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم کہ مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریہ و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف بانخاب طبقات مرقومہ در دارالخلافہ ظہران تشکیل و تنظیم شود کہ در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامہ مشاورہ و مذاقہ لازمہ را بہ عمل آورده و بہ هیئت وزرای دولتخواہ، در اصلاحاتی کہ برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامہ و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بہ توسط شخص اول دولت بہ عرض برساند کہ بہ صحہ همایونی ما موشح و بہ موقع اجرا گذارده شود. بدیہی است کہ بہ موجب این دستخط مبارک نظامنامہ و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آنرا موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد شد کہ بہ صحہ ملوکانہ رسیدہ و بعون اللہ تعالی مجلس شورای مرقوم کہ نکہبان عدل ماست افتتاح و اصلاحات لازمہ امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم کہ مواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی از نیات حسنہ ما کہ تماماً راجع بہ ترقی دولت و ملت ایران است کماینبعی مطلع و مرفہ الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند.»

در قصر صاحبقرانیہ بتاريخ چهاردهم شہر جمادی الثانی ۱۳۲۴ در سال یازدهم سلطنت ما<sup>(۱)</sup>  
(سند شماره ۶۵/۲)

فرمان مشروطیت در سفارت انگلیس برای مردم بہ صدای بلند خوانندہ شد و با شور و شعف فراوان استقبال گردید و مردم باغ سفارت را ترک کردند و چند روز بعد مهاجرین قم ہم مراجعت نمودند.

در مجلس انگلستان درباره تغییر حکومت در ایران، بعضی از نمایندگان بہ سخنرانی پرداختند،

یکی از وکلا اظهار کرد که این تغییر وضع ممکن است بعدها مانع این گردد که انگلستان بتواند به آسانی این مملکت را به تصرف درآورد، دیگری اظهار کرد که برقراری حکومت قانونی در ایران ممکن است در هندوستان باعث پیدایش افکار آزادیخواهی گردد.

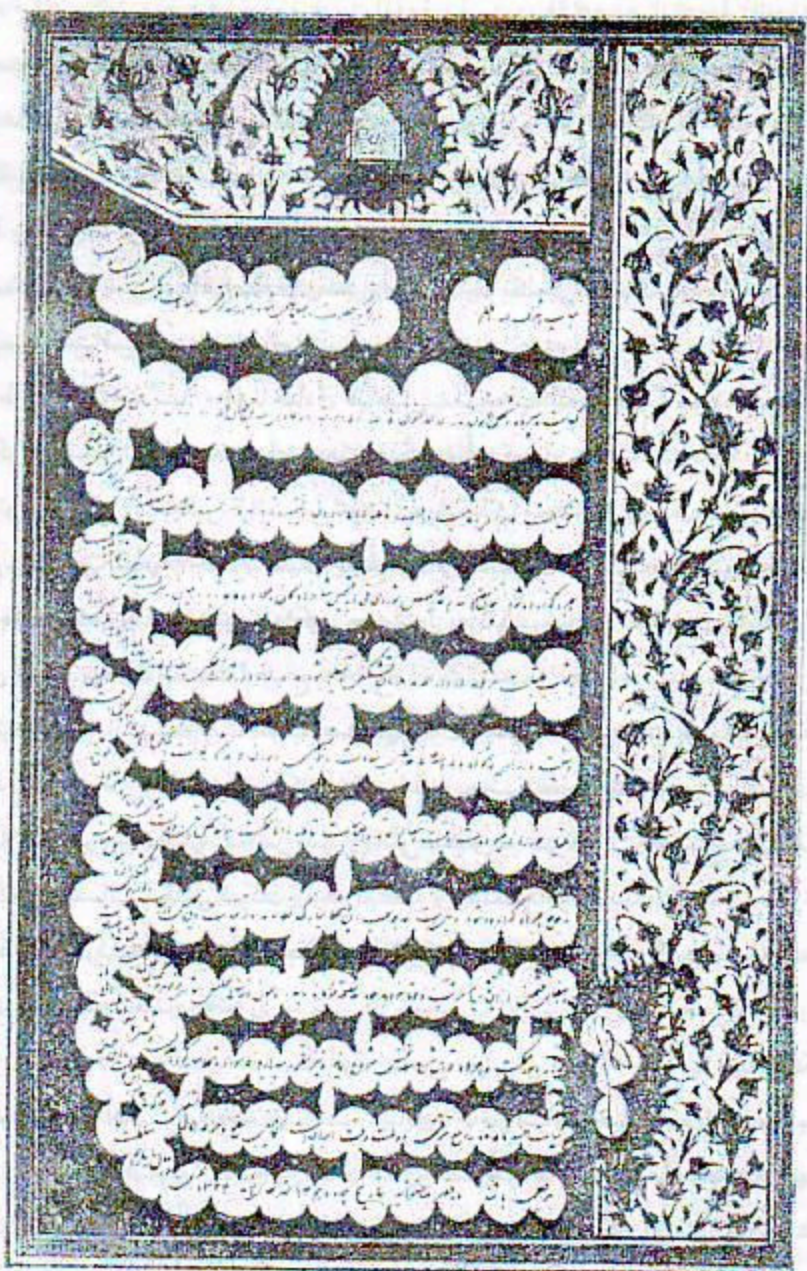
### اخبار خارجه درباره ایران

«از لندن ۱۳ مارس - در یکی از اعاضلم محافل خصوصی لندن (سرکردون) خطابه مفصلی در خصوص تغییرات سیاسی جدید ایران قرائت نموده و ضمناً چنین اظهار داشته که آنچه نتیجه معلومه بزرگ این انقلابات و هیجان ایران است تبدیل حکومت مستقله به مشروطه شده بدون آنکه خونریزی یا اغتشاش کلی واقع شود این تغییر و ترقی ممکن است که در رگ و خون ایرانیان وطن پرستی و ملت دوستی مخصوص ایجاد نماید که بعدها مملکت ایران را به این سهولت و آسانیها نتوان تسخیر و تصرف نمود. دولت انگلیس را منتهی میل و آمال است که ایرانیان را در جاده ترقی و نیکبختی و قوت ملاحظه نماید. یکی از معاریف حضار موسوم به (سیرکریفن) این طور اظهار نموده که: مجالس ملی و حکومت های مشروطه در ممالک مشرق زمین هیچوقت پیشرفت نداشته، در این مورد هم تا حدی نیل به مقصود محل تردید و شبهه است. دیگری از اجزای پارلمان این طور اظهار عقیده نمود که اگر این تغییر سیاسی در ایران مفید و منتج نتایج حسنه افتد، هرآینه وضع دولت انگلیس در هندوستان قدری مورد اشکال و زحمات خواهد بود زیرا که بعضی هوس ها به سر اهالی افتاده و خواهش ها خواهند کرد که قبول کلیه آنها به جهت دولت انگلیس بس صعب بلکه خارج از امکان است بالاخره رئیس مجلس مزبور این طور بیانات نموده اند: امیدوارم که اهالی ایران از این تخمی که کشته اند برخوردار و از زحماتی که برده اند کامیاب شوند زیرا که استقرار و استقلال دولت و حکومت ایران باعث امنیت هندوستان و ازدیاد توسعه تجارت خواهد بود (۷ صفر)»

برای تنظیم قانون اساسی انجمن هایی تشکیل می گردید که حضرت آیت الله شیخ فضل الله نوری پیشنهاد کرد که مطالب زیر در قانون اساسی گنجانیده شود.

«این مجلس مقدس شورای ملی که به توجه حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل و مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه و عامه ملت ایران تأسیس شده، باید در هیچ عصری از اعصار مواد احکامیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام علیه الصلوة والسلام نداشته باشد و معین است که تشخیص





فرمان مشروطیت

سند شماره ۶۵/۲ فرمان تشکیل مجلس شورای ملی

مواد موافقت و مخالفت قوانین موضوعه مجلس شورای ملی با قواعد اسلامی در عهده علمای

اسلام ادام الله برکات وجود هم بوده و هست لذا مقرر است در هر عصری از اعصار، انجمنی از طراز اول مجتهدین و فقهای متدینین تشکیل شود که قوانین موضوعه مجلس را قبل از تأسیس در آن انجمن علمی بدقت ملاحظه و مذاکره نمایند اگر آنچه وضع شده مخالف با احکام شرعیه باشد، عنوان قانونیت پیدا نخواهد نمود و امر انجمن علما در این باب مطاع و متبع است و این ماده ابداً تغییر پذیر نخواهد بود»  
حرفی ۷ شهرخ ۱

عده‌ای هر روز در تبریز و اصفهان و شیراز مردم را تحریک می‌کردند که بازارها و دکانها را ببندند و بدینوسیله اعتراض خود را اعلام نمایند.

از طرف حضرات سید محمد صادق طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری و عده دیگر به وسیله تلگراف به مردم شهرهای مذکور اعلام کردند.

«قانون اساسی در مجلس قرائت می‌شود و عوض یک مجلس هرروز مجلس دیگری برای تصحیح و تکمیل قانون با حضور آقایان حجج اسلام و علمای اعلام مرتب و مشغول است... هیجان عمومی و بستن بازار و دکاکین صورت لزوم ندارد، مجلس مقدس در ادای تکالیف خود به قدری ساعی و مجد است که احتیاج به این اقدامات نیست.»

روزنامه جبل المتین نوشت خوب است در قانون اساسی قید شود که علماء مداخله در احکام عرفیه نداشته باشند زیرا بعضی از احکام عرفیه با موازین شرعیه مبیانت دارد.

در تاریخ سوم ربیع الثانی مجلس شورای ملی نامه‌ای به عنوان آیت الله شیخ فضل الله نوری فرستاد که در جلسات مجلس شرکت و رفع نواقص و راهنمایی فرمایند.

«حضور مبارک حضرت مستطاب مروج الاحکام، ملاذ الانام حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ فضل الله دامت برکاته

چون اغلب بلاد به واسطه منقضت قانون اساسی مغشوش و جداً اهالی آنها مطالبه تکمیل آنرا می‌نمایند، خاصه اهالی آذربایجان و رشت، چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، عمأ قریب اشکالات فوق‌العاده از برای اولیای دولت و امنای ملت خواهد شد، لهذا عموم اعضای مجلس مقدس شورای ملی جداً تمنا می‌نمایند که از برای آسایش عموم مردم و رفع این اختلافات و اغتشاشات، حضرت مستطاب عالی چند روز متوالی همه روزه از سه ساعت به غروب مانده تشریف آورده در مجلس منقضت قانون اساسی را مطرح مذاکره و مذاقه نموده تسویه و تصحیح فرمایید که عاجلاً به صحنه همایونی رسانده طبع و نشر در جلوگیری از این اشکالات و اختلافات بشود و این مطلب را باید از اهم فرایض دانسته و برای حفظ بلاد و عیاد ان شاء الله دریغ



نمی فرماید»<sup>(۱)</sup> (سند شماره ۶۶)

مخالقان با شرکت روحانیان در تصمیم‌گیری نهایی می‌گفتند که حکومت مشروطه در بعضی جهات با قواعد اسلامی توافق ندارد و دول خارجه مارا به عنوان مشروطه نخواهند شناخت آنها در مکالمات و نوشتجات به مقامات روحانی به خصوص به حضرت آیه الله شیخ فضل‌الله نوری اعتراض می‌کردند.

در نتیجه این مخالفتها و شایعات دیگر، علمای اصفهان ضمن تلگرافی به مجلس شورای ملی اعلام داشتند که این ممانعت‌ها موجب ایجاد فتنه و آشوب خواهد شد و زحماتی که در باب تنظیم قانون اساسی کشیده شده به هدر خواهد رفت.

سواد تلگراف حضرات آقایان و حجج اسلامیه اصفهان به مجلس شورای ملی  
«حضور امنای مجلس شورای ملی دامت برکاتهم

توهینات و جسارات عوام آن و لابه رؤسای علمای شیعه که در زاویه مقدسه هستند و اشتمال بعض روزنامه‌ها بر توهینات به شرع، نوعی و شخصی بلکه کفریات و منقولات معروفه از بعض واعظین و جزء نشدن فصل نظارت علما که مرجع تقلید ناس باشند بدون عضویت به مجلس و بدون تقید به علم به اقتضای وقت در قانون اساسی که جزء شدن این فصل باعث بقای اساس اسلام است مهیج علما و متشرعین و طلاب غیور در دین شد.

از امنای مجلس دامت برکاتهم رفع مراتب منظور را فوراً مستدعی هستیم و الا خوف حدوث فتنه و اینکه زحمت کامله یک ساله هدر رود هست (علمای اصفهان)<sup>(۲)</sup>

داعی شیخ محمد تقی نجفی، داعی شیخ نورالله، الاحقر شیخ مرتضی، الاقل الحاج آقا منیرالدین، الاقل محمدتقی مدرس، داعی محمد باقر الموسوی درجه و سایر علما و طلاب» (سند شماره ۶۷)

چون در فرمان نامی از طبقه کشاورز و کارگر برده نشده بود در انجمن سران مشروطه خراهان، از صدراعظم خواستند که فرمان دیگری در تکمیل فرمان اول از طرف شاه صادر شود در نتیجه فرمان زیر صادر گردید.

«جناب اشرف صدراعظم - در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه چهاردهم جمادی‌الثانیه

۱ - تاریخ معاصر ایران، محمد ترکان صفحه ۱۸ - ۲۰

۲ - تاریخ معاصر ایران، محمد ترکان صفحه ۳۲

۱۳۲۴ که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای اینکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله ما واقف باشند امر و مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق سریعاً دائر نموده بعد از انتخابات اجزاء مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را مطابق تصویب و امضای منتخبین به طوری که شایسته مملکت و ملت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب بنمائید که بشرفعرض و امضای همایونی، موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد»<sup>(۱)</sup>

در این فرمان تأکید شده که در تنظیم قوانین، قوانین شرع مقدس اسلام منظور گردد و ضمناً به جای نام طبقات مختلف، کلمه ملت نوشته شده که شامل همه افراد شود.

با همه مخالفت‌های عناصر ناراضی و کارشکنی‌های آنها، نظامنامه انتخابات تدوین گردید و روز ۱۳ رجب سال ۱۳۲۴ قمری به امضای مظفرالدین شاه رسید.

روز یکشنبه هیجدهم ماه شعبان ۱۳۲۴ قمری مجلس شورای ملی با حضور وزیران و نمایندگان سیاسی و علماء و مجتهدین در کاخ گلستان به وسیله مظفرالدین شاه افتتاح شد. شاه با حال بیماری در مجلس حاضر گردید و خطابه افتتاحیه را قرائت کرد:

#### خطابه افتتاحیه مجلس

«منت خدای را که آنچه در نظر داشتیم امروز بعون الله تعالی از قوه به فعل آمد و به انجام آن مقصود مهم بعنایات الهیه موفق شدیم زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را به هم مربوط و متصل می‌دارد و علائق مابین دولت و ملت را متین و محکم می‌سازد، مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط عاید به خودتان بود و بس، ولی از امروز شامل هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده‌اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است احتراز نمائید. پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما خجل و شرم‌منده نباشید، این پند و نصیحت ما را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست، حافظ حق و حقانیت، دست خدا همراه شما...» سند شماره ۶۸





مجلس شورای ملی ایران

تورخ ۲ شهر بهمن ۱۳۲۵

نمبر ۱

۲۰۵

مجلس شورای ملی ایران  
مجلس شورای ملی ایران  
مجلس شورای ملی ایران  
مجلس شورای ملی ایران

جناب چو در بعضی نصوص تاریخ باستان و غیره آمده است که

آن را میمانند حاصله آله در ایامی که در آن وقت چنانچه فکر کردیم

عما و تربی و کثرت و قوت اعاده در نظر داشتند بنا بر آنست

لهذا معلوم میگرداند مجلس مقدس شورای ملی حدیثی است که در ذریع

عموم مردم در آن جهت است و اینست که در آن وقت

مردمان بر آنکه از آن وقت بگذرد تا آنکه از آن وقت

نصوص تاریخ باستان و غیره مذکور و مدینه غوره کوه

که ما بعد از آن میمانند ریاضه طبع و غیره و در آن وقت

و عندئذ است که در این مطلب در یاد و ذهن ما اینست

اینست در آن وقت مدینه و غیره و در آن وقت

## براد کرامت حضرت امام دهم علیه السلام

تهران  
 حصودانی مجلس شورای دامت برکاتهم تو فیات و جارات موام  
 ان ولد بروی عشاء شیعہ کہ در زاویہ تصدیه مستند و انسابی  
 روز ما بر تو فیات شرح زعمی و شخصی بکجه کفریات و عقاید  
 معروفه در بعضی و خطین و جز فشن فصر نظارت علی که مرجع  
 ناس تبند بودن حضرت بمجلس و بدون تصدیه بهم بقضای  
 در قاون ایس که جز شدن این حضرت باعث بقا و اس سلم است  
 فیج علماء و مشرین و طلب غیور در دین و ذنای مجلس  
 دامت برکاتهم رخ مراتب منظره را فراموشی ام دامت  
 مدوت فتنه و ای که زعمت کانه یک ساله هر روز مدتی (مجلس)  
 در جمع قلمی می دمی که از امام ادرع و مرشخ ادرع آقا میرزا محمد آقا محمد علی  
 دایم و قرالوی در جم سائعی و طلب

سند شماره ۶۷ - تلگراف علمای اصفهان به مجلس شورای ملی

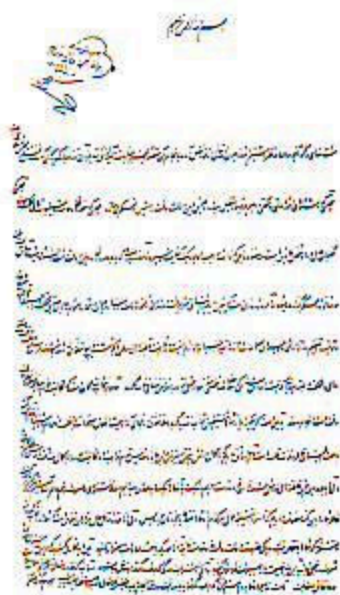
مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان تهران و شهرستانها کار خود را آغاز کرد مهمترین



وظیفه مجلس تدوین و تصویب قانون اساسی بود که در پنجاه و یک ماده تنظیم گردید و مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا ولیعهد آن را امضاء کردند که در شعبان سال ۱۳۲۵ متمم آن در ۱۰۷ ماده به تصویب مجلس رسید.

مظفرالدین شاه مقدمه‌ای بر قانون اساسی به شرح زیر نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم - آن که مطابق فرمان دولت بنیان همایونی مورخ چهاردهم جمادی الاخر یک هزار و سیصد و بیست و چهار از برای ترقی و سعادت ملک و ملت و تشیید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه واله، امر به تأسیس مجلس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم، علی قدر مراتبهم، محق و سهیمند تشخیص و تعیین اعضای مجلس را به انتخاب ملت محول داشتیم، اینک که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است، اصول و مواد نظامنامه اساسی شورای ملی را که مشتمل به وظایف و تکالیف مجلس مزبور، حدود روابط آن نسبت به ادارات است از قرار اصول زیر مقرر می‌فرمائیم - شاه»



خطابه افتتاحیه مجلس اول

مشیرالدوله صدراعظم در مجلس نطقی به شرح زیر ایراد کرد:

«هرکدام از ما که در این محل شرف حضور داریم مختصراً می‌دانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم چیست، ولی لزوماً باستحضار خاطر محترم آقایان می‌رسانم که چنانچه خاطر شریف همگی مسبوق است بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی مصمم شده‌اند که ابواب نیک بختی و سعادت بر روی قاطبه اهالی ممالک محروسه ایران باز شود و اصلاحات لازمه که باعث مزید استحکام مبانی دولت و خوشبختی ملت است بمرور به موقع اجرا گذارده شود و چون این خیال شاهانه بدون همدستی و معاونت قاطبه اهالی آنطور که منظور نظر معدلت اثر بندگان همایونی است انجام پذیر نمی‌باشد، رأی مبارک بدان تعلق گرفت که مجلس شورای ملی از متخبین طبقات معینه در تاریخ چهاردهم جمادی‌الآخر در دارالخلافه تهران تشکیل و منظم شود.»

ملک المتکلمین از طرف نمایندگان چنین پاسخ داد:

«خدای را شکر که از توجه ظاهر و باطن امام عصر عجل الله تعالی فرجه و از شمول توجهات کامل پادشاه، امروز شب تاریکی و بینوایی ایرانیان سرآمد و آفتاب سعادت و اقبال ایشان طلوع نمود و حسن استعداد و قبول ملت سبب شد که پادشاه دل آگاه را نیت مقدسی که در نجات مملکت و حیات ملت در خاطره الهام مظاهر نهفته بود. در این زمان سعادت بمنصه شهود رسانید، فرزندان عزیز خود را که در رأفت پرورده بود، اینک در مصالح خود مطلق و آزاد داشته تا آنچه را که برای مصلحت وقت خود لازم دانند بگویند و بکنند و خرابیهای گذشته را مرمت نمایند. در اینموقع از طرف خود اصالتاً و از جانب هیئت ملت وکالتاً تشکیل این مجلس شورای ملی را شکر بسیار بعمل آورده و تشکرات قلبیه و ادعیه خالصانه تقدیم حضور مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم ایران می‌نمائیم و انتظار می‌بریم که به فرصت وکلایی که باید از تمام بلاد منتخب شوند بترتیب مخصوص انتخاب شده و در دارالخلافه حاضر گردند تا هر چه زودتر این مجلس که مجلس شورای ملی باشد موافق نظامنامه تکمیل نواقص خود را نموده و در استحکام مبانی مشروطیت و استقرار حقوق ملت نتایج مستحسنه را بعون الهی ظاهر سازد»<sup>(۱)</sup>

مظفرالدین شاه نیمه شب ۲۴ ذی‌القعده ۱۳۲۴ ده روز پس از امضای قانون اساسی بدرود

حیات گفت و محمدعلی میرزا ولیعهد به سلطنت رسید.

حاج میرزا حسن جابر انصاری درباره فوت شاه چنین سروده است:



مظفر چو مشروطه را داد رفت  
 ز تخت و سریر سلاطین کنار  
 محمدعلی‌شاه جایش نشست  
 که تا خود چه بازی کند روزگار

۱۳۲۴ ق

یک ماه بعد از تشکیل مجلس، بودجه مملکتی مطرح شد و هزینه‌های زاید درباری حذف و حقوق شاهزادگان تقلیل داده شد که موجب عدم رضایت محمدعلی شاه گردید و بهمین جهت شاه برای انحلال مجلس به فکر تهیه مقدمات افتاد.

نمایندگان مجلس نیز از محمدعلی شاه ناراضی بودند.

کشمکش میان مجلس و دربار ادامه داشت، به خصوص مجلسیان و آزادیخواهان از روی کار آمدن میرزا علی اصغرخان اتابک هم رضایت نداشتند، به واسطه حملات شدیدی که روزنامه‌ها و انجمن شهرها به محمدعلی شاه می نمودند، شاه تعقیب هشت نفر از روزنامه‌نگاران را خواستار شد ولی مجلسیان مخالفت کردند و تسلیم نشدند.

در مراسم تاجگذاری محمدعلی شاه از نمایندگان ملت دعوت به عمل نیامد و این امر مقدمه اختلاف بیشتر مجلس با شاه گردید.

محمدعلی شاه چون نیروی روسیه تزاری را پشتیبان خود می دید به اعتراضات نمایندگان مجلس توجهی نکرد و برای برانداختن رژیم جدید مشغول فعالیت گردید.

نمایندگان مجلس با پشتیبانی آزادیخواهان و مطبوعات در مقابل شاه ایستادگی کردند.

در یکی از جلسات انجمن دروازه قزوین که ملک المتکلمین سخنرانی می کرد، در پایان صحبت خود گفت «ای کسانی که از طرف دربار برای خیرچینی و جاسوسی به اینجا آمده‌اید از قول من به شاه بگوئید به جای این که به حرفهای بی خردانه اطرافیان خود گوش دهد و به گفته ناصحان اجنبی که جز بدبختی و آشفتنگی ما منظوری ندارند توجه نماید، خوبست تاریخ نهضت اجتماعی و انقلابات ملل دنیا را مطالعه کند و از سرگذشت گذشتگان عبرت گیرد، به خدایی که تمام دستگاه آفرینش در تحت قدرت اوست، استقلال و ترقی ملت ایران و بقای سلطنت او جز در تحت لواء مشروطیت و احترام به قانون اساسی میسر نیست و هر راهی غیر از این پیش گیرد به زوال خود و مملکت ایران منتهی خواهد شد»

پس از پایان سخنرانی ملک المتکلمین جوانی پیش رفت و گفت، جواب آنچه را که گفتید تا یک هفته دیگر به شما خواهد رسید، این جوان عباس آقا صراف آذربایجانی بود که اتابک را که مخالف مشروطیت بود کشت (۲۱ رجب ۱۳۲۵) و چون سربازان در تعاقب او بودند در حین فرار گلوله‌ای در

مغز خود خالی کرد در جیب او کارت شناسایی وجود داشت (عباس آقا صراف آذربایجانی عضو نمره ۴۱ فدایی ملت)

خاوری یکی از شعرای آندوره درباره کشته شدن اتابک به وسیله عباس آقا تبریزی چنین سروده است.

ای جهان غیرت ای عباس آقا کز شرف زخم قلب ملک و ملت را تو شاخ مرهمی  
گفت تاریخ عزایت را به زاری خاوری (کرد از ششلول احیا عالمی را آدمی)

۱۳۲۵

سلطان العلماء در روزنامه روح القدس و میرزا جهانگیرخان در مجله هفتگی صور اسرافیل و سید محمد رضا شیرازی در روزنامه مساوات و در روزنامه‌های دیگر بر علیه محمدعلی شاه و مستبدان دیگر به نوشتن مقالات پرداختند.

سلطان العلماء خراسانی مدیر روزنامه روح القدس ضمن مقاله‌ای به شاه چنین نوشته است: «خوب بود شما قدری به هوش آمده احساسات خود را بهبودی داده، چشمها را باز نموده به سلطنت خود و از آن دیگران می‌نگریستید، آیا همه شاهان جهان در وظایف خود تن باز زده از انجام تکالیف روگردان شده، و هم خود را صرف قصابی کرده‌اند؟ آیا ممکن نیست که داستان لوشی شانزدهم در این سلطنت تکرار شود؟ براستی که حق سبحانه قادر به انتقام است.

سر شب سر قتل و تاراج داشت سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت

آیا می‌دانده که از هر قطره خون فدایی شماره ۴۱ (عباس آقا آذربایجانی) یک فدایی بزرگتر برای هدفی عالیتر می‌آید تا امر حق تکمیل گردد، باید با نظر عبرت بر شاهانه دریافته بفهمد که با مار و افعیان خوش خط و خال فریبنده که پر از زهر قتاله‌اند، بازی کردن خردمندانه نیست و نباید بی مهابا و در پنهانی با نابود کنندگان این سلطنت و نمایندگان دول بیگانه مشورت کرد زیرا دزد بازار آشفته می‌خواهد و بیگانه در بند پیشرفت و سود خود است اگر اعلیحضرت همایونی و خاندان سلطنت تصور نمایند افتخار و عزت در نوکری و طوق رقیب اجنبی است مردم کشور در قضاوت خود، این سیادت را شرم آور، ننگین، نامناسب دانسته محکومش می‌دانند...»

روزنامه مساوات که به وسیله سید محمد رضای شیرازی منتشر می‌گردید چنین نوشته است: «مگر تصور می‌شود که بعد از این ایرانی دست از حقوق مشروع خود بردارد و دزدان را بی مکافات و آسوده گذارد نه والله نه بالله هرکس این خیال محال و تصور باطل را در خاطر مقدس پادشاه ما القاء نماید به جمیع انبیاء و اولیاء و ارواح مقدسه دنیا سوگند و به روح عدالت و حقیقت



قسم است که خیانت صریح به مقام سلطنت نموده»<sup>(۱)</sup>

در همین ایام که بین آزادبخوانان و محمدعلی شاه بر سر برقراری حکومت مشروطه و رعایت قوانین موضوعه بحث و گفتگو بود و روزنامه‌ها بر علیه حکومت استبدادی شاه مطالبی می‌نوشتند. در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ (رجب ۱۳۲۵ ق) موافقت نامه روس و انگلیس درباره تقسیم مناطق نفوذ در ایران و افغانستان و تبت بامضاء رسید.

طرفین قرار گذاشتند که برای کسب امتیازات سیاسی و یا اقتصادی در منطقه نفوذ یکدیگر اقدام نکنند این موضوع هم بر مخالفت آزادبخوانان با محمدعلی شاه اضافه کرد.

### قرارداد ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ق)

«نظر به اینکه دولت بریتانیای کبیر و دولت روسیه خواهشمند پرهیز و اجتناب از موجبات مناقشات بین منافع و فوائد متعلقه بخودشان در بعض نواحی ایرانند که آن از یکطرف متصل یا مجاور مرز روسیه و از طرف دیگر مرزهای افغانستان و بلوچستان می‌باشد لذا در شرایط و مواد پائین با هم اتفاق نموده‌اند.

«دو دولت نامبرده با هم متعهدند که احترام استقلال و تمامیت ارضی ایران را کاملاً رعایت نمایند و نیز تاکید می‌کنند که آنها نه فقط صادقانه خواستار برقرار داشتن فوائد مساویة تجارت و صناعت ملل دیگرند بلکه ترقی صلح جویانه آن کشور را نیز مایل و خواستار می‌باشند. بعلاوه هر یک از دو دولت متعهد می‌شود که از جلب و تحصیل هرگونه امتیاز از مناطقی که متصل یا مجاور منطقه دولت دیگر است خودداری نمایند.

«نواحی مصرحه در قرارداد مذکور فوق از آنجهت بطور وضوح تعیین می‌شوند تا در آینده از پیشامد هرگونه سوء تفاهمی اجتناب شود و همچنین بهیچوجه وضعیتی ایجاد نشود که در نتیجه برای دولت ایران اشکالی فراهم سازد. دولتین روسیه و بریتانیا قبول می‌کنند و عوائد مربوطه بوام دولت ایران را به بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی در قرارداد ذکر مینمایند تا در آینده نیز بهمان منظور مربوطه دریافت شود و در صورت پس افتادن اقساط اصل و فرع سابق‌الذکر دولتین تعهد می‌کنند که برای اقدامات مشترک جلوگیری از عدم پرداخت نظریات دوستانه‌ای بین یکدیگر مبادله خواهند کرد و از هرگونه مداخله‌ای که منافی با اصول مندرجه در قرارداد باشد اجتناب کنند.

دولتین در امضاء قرارداد با کمال استحکام اصل اساسی استقلال و تمامیت ارضی ایران را

مراعات کرده و کاملاً محترم داشتند. متنها منظور قرارداد اجتناب از هرگونه سوء تفاهم در موضوع کارهای ایران از نظر امضاء کنندگان بوده است. دولت اعلیحضرت شاهنشاه قانع خواهد شد که قرارداد امضاء شده بین روس و انگلیس بهیچ وجه مانع پیشرفت و ترقی و امنیت و تعالی آتی ایران به نیکوترین وجهی نخواهد بود.

دو منطقه مصرحه بدین ترتیب می باشند:

خط منطقه روس ها از قصر شیرین شروع شده پس از عبور از اصفهان، یزد و خاف در منطقه ای که مرز ایران و افغان و روسیه یکدیگر را قطع می کنند، خاتمه می یابد خط منطقه انگلیس ها از مرز افغان شروع شده پس از عبور از بیرجند، کرمان به بندرعباس منتهی می شود.<sup>۱۱</sup>

طبق این قرارداد قسمتی از شمال ایران به مساحت ۷۹۰ هزار کیلومتر مربع از قصر شیرین، اصفهان، یزد و قسمت مرزی ایران و افغانستان تحت نفوذ روسیه اعلام شد و نواحی از بندرعباس، کرمان، بیرجند تا سرحد افغانستان تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و قسمت واقع بین این دو ناحیه منطقه بی طرف اعلام گردید.

طرفین قرار گذاشتند که برای سلب امتیازات اقتصادی و سیاسی در منطقه نفوذ یکدیگر اقدامی نکنند.

خبر انعقاد قرارداد با تنفر و تظاهرات عمومی مواجه گردید.

ملک الشعرای بهار قصیده ای در این بار سروده که قسمتی از آن نوشته می شود:

|  |  |
|--|--|
| سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری          | سخنی از من برگو به سر ادوار دگری             |
| کای خردمند وزیری که نپرورده جهان       | چون تو دستور خردمند و وزیر هنری              |
| تو بدین دانش، افسوس که چون بی خردان    | کردی آن کار که افسوس جز از وی نبری           |
| برگشودی در صد ساله فرو بسته هند        | برزخ روس و نترسیدی از درسدی                  |
| تو خود از تبت و ایران و ز افغانستان    | ساختی پیش ره خصم بنای سه دری                 |
| انگلیس آن ضروری را که از این پیمان برد | تو ندانستی و داند بدوی و حضری                |
| خاصه چون روس که او شیفته باشد برهند    | همچو شاهین که بود شیفته بر کبک دری           |
| سد پس معتبری ایران بد در ره هند        | وه که برداشته شد سد بدین معتبری              |
| به لجاج و به غرض کردی کاری که بدو      | طعنه راند عرب دشتی و ترک تتری <sup>(۱)</sup> |